



تکیه بر اصول موضوعه و تنقیح پیش فرض‌ها؛ راه دوری از آسیب زمان‌مندی فهم

در تفسیر، اصول عقلی قطعی باید از موارد ظنی و حدسی تفکیک شوند و با تنقیح پیشفرض‌ها و از جمله فرض‌های تجربی که با تأثیر زمان شکل گرفته‌اند، می‌توان از آنچه که تحت عنوان زمانمندی فهم در هرمنوتیک فلسفی مورد توجه مثبت قرار گرفته، برکنار ماند.

در تفسیر، اصول عقلی قطعی باید از موارد ظنی و حدسی تفکیک شوند و با تنقیح پیشفرض‌ها و از جمله فرض‌های تجربی که با تأثیر زمان شکل گرفته‌اند، می‌توان از آنچه که تحت عنوان زمانمندی فهم در هرمنوتیک فلسفی مورد توجه مثبت قرار گرفته، برکنار ماند.

محمدکاظم شاکر، استاد دانشگاه قم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، در خصوص بحث زمانمندی فهم قرآن در ابتدای گفت‌وگو با اشاره به خلطی که گاهی اوقات در این زمینه صورت می‌گیرد، خاطرنشان کرد: بحث زمانمندی و تاریخمندی فهم قرآن گاه با زمانمندی و تاریخمندی خود قرآن خلط می‌شود. زمانمندی قرآن به این معناست که قرآن کاملاً وابسته به زمان خود پدید آمده است و اگر در زمان ما نازل می‌شد، به گونه دیگری نازل می‌شد، در حالی که زمانمندی فهم قرآن به این معناست که از این روی که هیچ فهمی خارج از زمان و تاریخ خود روی نمی‌دهد، فهم ما از قرآن نیز همچون فهم ما از هر متن دیگری، همواره در زمانه‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی صورت می‌بندد.

نویسنده کتاب «#قانون تفسیر» با بیان این که آن چه در هرمنوتیک مطرح می‌شود، بحث زمانمندی فهم قرآن است، اظهار کرد: هرمنوتیسین‌ها معتقدند هیچ فهمی خارج از زمان و تاریخ خود و جز با پیشفرض‌ها، انتظارات، سؤالات و دانش‌های مفسر و کسی که به دنبال فهم متن است، وجود ندارد و بنابراین مفسر قرن ششم به گونه‌ای متفاوت از کسی که در قرن چهاردهم است، قرآن را فهمیده، چرا که این دو با مسائل متفاوتی مواجهند و دانش‌هایشان با هم فرق دارد.

مرادات و مقاصد بیانی و زبانی گوینده درنهایت بر اصول موضوعه‌ای منطقی و فلسفی استوار است که این اصول به شکلی بدیهی قابل درک هستند و بنا بر همین اصول و با معیار قرار دادن آن‌ها می‌توان از زمانمندی و نسبیت فهم برکنار ماند

شاکر با اشاره به این که تاریخمندی فهم بحثی است که در هرمنوتیک فلسفی مطرح و مورد توجه واقع شده است، در خصوص معانی هرمنوتیک گفت: هرمنوتیک در اولین شکل خود و در اولین معنای مقصود شده از این واژه به معنای تفسیر به کار رفته است، اما پس از مدتی این واژه برای روش تفسیر به کار گرفته شد و در چارچوب مباحث آن چگونگی تفسیر مورد توجه قرار گرفت. در این مرحله هرمنوتیسین‌ها به دنبال روش‌هایی برای پی بردن به مراد مؤلف بودند و در همین مرحله بود که زمینه‌های توجه به زمانه پدید آمدن متن و شرایط فهم آن با توجه به گذشت زمان شکل گرفت.

این پژوهشگر درخصوص سومین مرحله و معنای هرمنوتیک، گفت: هرمنوتیک به معنای سوم نه به معنای تفسیر و نه به معنای روش تفسیر متن، بلکه بحث راجع به خود تحقق فهم است. در اینجا هرمنوتیسین راجع به خود هستی فهم صحبت می‌کند و چگونگی شکل‌گیری فهم و مؤلفه‌های دخیل در پدید آمدن آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در اینجا است که افرادی مانند هایدگر و گادامر می‌گویند که هیچ فهمی خارج از زمان شکل نمی‌گیرد و فهم همواره زمانمند و تاریخمند است. بنابراین مفهوم زمان یکی از کلیدواژه‌های اصلی هرمنوتیک هایدگر و گادامر است و بر عنصر زمان در هستی‌بخشی به فهم تأکید می‌شود.

نویسنده مقاله «#مدل‌های چند معنایی در تفسیر قرآن و کتاب مقدس» با بیان این که در اینجا مسئله نسبیت فهم مطرح می‌شود، اظهار کرد: اساساً در این جا مطابقت فهم با واقعیت مراد گوینده تحت الشعاع قرار می‌گیرد و مقصود گوینده و مؤلف به عنوان محوری که باید به آن نزدیک شد از دسترس خارج می‌شود.

وی با اشاره به سنت تفسیری اسلامی و تقابل آن با موضع هرمنوتیک فلسفی، عنوان کرد: ما در تفسیر قرآن به دنبال این هستیم که بیابیم گوینده، یعنی خداوند، در مرتبه علم و اراده خود چه مرادی داشته است. این نگاه که در مقابل رویکرد هرمنوتیک فلسفی است، در واقع از تفسیر به عنوان کاشف از مراد گوینده دفاع می‌کند و هرمنوتیک فلسفی را به عنوان موضعی می‌یابد که اعتبار فهم را زیر سؤال برده و به ذهنیات مفسر محدود مانده است.

در صورت پذیرش این اصول عقلی، هرگونه فهمی از متن که در تعارض و تضاد با این اصول باشد مردود است و فهم مخالف با این اصول فهم‌های نادرستی است. بنابراین در نهایت اصولی فرازمانی وجود خواهد داشت که فهم را از زمانمندی خارج خواهد کرد و زمان در آن‌ها دخالتی نخواهد داشت

شاکر در خصوص ادله مطرح در مقابل موضع هرمنوتیک فلسفی گفت: در حوزه تفسیر اسلامی بیان می‌شود که هر چند می‌توان پذیرفت که پیشفرض‌ها و انتظارات در فهم متن مؤثرند، اما ما می‌توانیم با تنقیح و تهذیب این پیشفرض‌ها و انتظارات، به مراد متکلم دسترسی پیدا کنیم، چرا که مرادات و مقاصد بیانی و زبانی گوینده در نهایت بر اصول موضوعه منطقی و فلسفی استوار است که این اصول به شکلی بدیهی قابل درک هستند و بنا بر همین اصول و با معیار قرار دادن آن‌ها می‌توان از زمانمندی و نسبیت فهم برکنار ماند.

استاد دانشگاه قم ادامه داد: برای مثال در حوزه عقل عملی بحثی با عنوان حسن و قبح عقلی و ذاتی مطرح است که در صورت پذیرفتن آن، گزاره‌ها و احکامی عملی را پذیرفته‌ایم که براساس آن‌ها برخی افعال ذاتاً حسن و برخی دیگر ذاتاً قبیح‌اند و این احکام در مورد افعال الهی نیز جاری خواهند بود؛ بر این اساس افعال حسن، افعالی است که به خدا نسبت داده می‌شود و افعال قبیح، افعالی است که محال است به خدا نسبت داده شود. در این صورت، یعنی در صورت پذیرش این اصول عقلی، هرگونه فهمی از متن که در تعارض و تضاد با این اصول باشد، مردود است و فهم مخالف با این اصول فهم‌های نادرستی است. بنابراین در نهایت اصولی فرازمانی وجود خواهند داشت که فهم را از زمانمندی خارج خواهند کرد و زمان در آن‌ها دخالتی نخواهد داشت.

وی با بیان این که انتظارات و پیش فرض‌ها بی‌شک همواره وجود دارد، عنوان کرد: این انتظارات و پیشفرض‌ها در طول زمان به وجود می‌آید، اما براساس موضع اسلامی زمان نمی‌تواند دخالتی اجتناب‌ناپذیر در امر فهم قرآن داشته باشد. در واقع براساس ملاک مورد نظر رویکرد اسلامی اصول عقلی قطعی باید از موارد ظنی و حدسی تفکیک شوند و فرضیات تجربی که ممکن است بر اثر گذشت زمان تغییر کنند، نباید به عنوان پیش‌فرض‌های قطعی در فهم متن در نظر گرفته شوند. بنابراین با تنقیح پیشفرض‌هایی که با تأثیر زمان شکل گرفته و باعث سوء فهم می‌شوند، می‌توان از آسیبی که تحت عنوان زمانمندی فهم در هرمنوتیک فلسفی مورد توجه مثبت قرار گرفته است، برکنار ماند.